

برخورد با فتنه‌های مالی در مدیریت اسلامی با نگاه به نامه ۵۰ «نهج البلاغه»

Avt.vaez@yahoo.com

علی واعظ طبسی / استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

کمیته میثم کریمی / دانشجوی دکتری الهیات فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد مشهد

meysamkarimy@yahoo.com

ORCID ID: orcid.org/0000-0002-3701-3644


<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

چکیده

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۵۰ نهج البلاغه شروع فتنه در جامعه را با تبعیت از هواهای نفسانی و احکامی که مخالف با شرع و کتاب خداست می‌داند. یکی از انواع فتنه‌ها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقسیم بیت‌المال بین مردم بود که حاکمان وقت اقدام به تشکیل «دیوان عطایا» نمودند. هدف آنها از این کار اختصاص سهم بیشتری از بیت‌المال به خواص جامعه بود. امیر مؤمنان علیه السلام بعد از قرار گرفتن در مسند حکومت، سخن از محور این دیوان گفتند و در عمل، بیت‌المال را به صورت مساوی تقسیم و دست زیاده‌خواهان را از بیت‌المال کوتاه نمودند. پاداش‌ها و مزایا و حقوق نجومی در عصر حاضر، همان دیوان عطایاست که می‌بینیم برخی مدیران نسبت به مردم و سایر کارمندان و کارگران سهم بیشتری را از بیت‌المال برداشت می‌کنند. این مقاله وجوه اشتراک این دو را ذکر کرده است. مقام معظم رهبری بارها بر متخلف بودن نجومی‌بگیران و گناه بودن این زیاده‌خواهی و لزوم برگرداندن برداشت‌های نامتعارف تأکید نموده است. بنا بر گزارش دیوان محاسبات کشور، بخشی از مبالغ نامتعارف به خزانه دولت برگردانده شده است. این مقاله به صورت تطبیقی، تصویب قوانینی را که برخلاف شریعت اسلامی و سیره پیشوایان در زمان قدیم در جامعه اجرا شده بررسی کرده و وظیفه حاکم و دولتمرد را در این باره معین نموده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: امیر مؤمنان علی علیه السلام، دیوان عطایا، محو، اغنیا، دولت، بدعت، فتنه.

مقدمه

بیت‌المال از ارکان مهم اقتصادی هر حکومت و جامعه، از جمله حکومت اسلامی بوده و بنا بر آیات قرآن کریم مصارف آن مشخص است (توبه: ۶۰؛ انفال: ۴۱؛ حشر: ۷)، به گونه‌ای که اگر در مصارف معین و مشروع خود صرف شود فقر و تبعیض و ناعدالتی از بین می‌رود. متأسفانه در طول تاریخ برخی افراد به بهانه‌های گوناگون از بیت‌المال سوءاستفاده‌هایی کرده‌اند - که نمونه آن در ادامه خواهد آمد. در حال حاضر نیز در کشور ما برخی مدیران به بهانه مدیر بودن، تصرفات نابجایی در بیت‌المال نموده‌اند که یکی از آسیب‌های آن اختلاف فاحش پرداخت در حقوق و پاداش و مزایا بین مدیر و سایر کارگزاران حکومتی، مانند کارمندان و کارگران و دیگر مشاغل است. ضروری است پژوهش و تحقیقی در خصوص جایگاه مهم بیت‌المال و مصارف آن انجام شود.

این پژوهش به تبیین تاریخچه برداشت نامتعارف از بیت‌المال و بررسی علل زیاده‌خواهی و بدعت‌های مالی و راهکارهای مقابله با آن پرداخته است.

پیشینه بحث

دشتی (بی‌تا) در کتابی با عنوان *امام علی و اقتصاد*، در جلد سوم (الگوهای رفتاری) به رفتار امیر مؤمنان علیه السلام با بیت‌المال اشاره کرده و در خصوص توجه به محرومان و پرهیز از سوءاستفاده‌های مالی، مستندات روایی و سیره‌ای ارائه نموده است. نویسنده ذیل عنوان «تقسیم مساوی بیت‌المال»، حدیث «محتو دیوان العطاء» را شرح کرده و گفته است: حضرت علی علیه السلام عدالت در تقسیم بیت‌المال را از دومین روز حکومت خود در جامعه اعلام و با بدعت‌ها و قوانین مخالف اسلام و سیره مبارزه نمودند. وی نتیجه گرفته است: امنیت اقتصادی برای همه آحاد جامعه ضرورت دارد (دشتی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۱).

حاجی‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تقسیم مساوی بیت‌المال در سیره امام علی علیه السلام و واکاوی علل آن» به این نتیجه رسیده که درآمدهای بیت‌المال دو نوع مصرف داشته است: یک مصرف مربوط به نیازمندان و فقرای جامعه و مصرف دیگر تقسیم مساوی بین مسلمانان.

کلاتری خلیل‌آباد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی و حقوقی پرداخت حقوق نامتعارف از بیت‌المال»، در ذیل مبانی و ادله فقهی حقوق‌های نامتعارف، حدیث «محتو دیوان العطاء» را ذکر کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند: روش امیر مؤمنان علی علیه السلام مبارزه با زیاده‌خواهی و تبعیض‌ها از بیت‌المال بوده است.

مفهوم‌شناسی

الف. دیوان و دواوین

«الدِّیَوَانُ: هُوَ الدَّفْتَرُ الَّذِیْ یُکْتَبُ فِیْهِ أَسْمَاءُ الْجِیْشِ وَ أَهْلُ الْعَطَاءِ وَ هُوَ فَارْسِیٌّ مَعْرَبٌ»؛ دیوان دفتری است که در آن اسامی لشکر و سربازان و اهل دریافت عطا نوشته می‌شود و دیوان فارسی معرب است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۰).

در فرهنگ *ابجدی* در تعریف «دیوان» آمده است: دیوان (الدِّيوان - جمع: دَوَاوِين و دَيَاوِين) یعنی: دیوان شعر، مجموعه نوشته‌ها، کتابی که در آن آیین‌نامه و مقررات لشکریان و سربازان از نظر حقوق و پاداش و غیر آن نوشته شده باشد؛ دادگاه، جای داوری و حل و فصل شکایات و داوی و رسیدگی به امور دولت. این واژه فارسی است؛ «لُغَةُ الدَّوَاوِين»: اصطلاحات معمول در ادارات دولتی (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۴).

«دیوان» (به فتح و کسر دال) کتابی است که در آن درباره جیوش و لشکر و عطایا نوشته می‌شود و برای صحایف اعمال مورد استعاره قرار می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۲۴۹).

ب. محو

در کتب لغت آمده است: «محو» بر ذهاب چیزی به شیء دیگر دلالت دارد. از این باب است جمله باد ابرها را محو کرد؛ یعنی ابرها به واسطه باد از بین رفت. باد شمال را «محوه» می‌گویند؛ زیرا به واسطه باد شمال ابرها محو می‌گردند. همچنین «محوت الكتاب» یعنی: کتاب را از بین بردم و «محو الشیء» یعنی: اثر آن از بین رفت (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۰۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۴۴).

ج. عطاء، عطیه، عطایا

در تعریف «عطاء» آمده است: «العَطِيَّةُ - جمع: عَطَايَا و عَطِيَّات [عطوا] آنچه بخشش و ارمغان شود (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۱۵). یا در *معجم مقاییس اللغة* آمده است: «العطاء اسم لما يُعطى، و هى العطية، و الجمع: عطایا، و جمع العطایا: أعطیة». «عطا» اسم برای چیزی است که بخشیده می‌شود و نام آن «عطیه» است و جمع آن بخشش‌هاست و جمع عطایا «اعطیه» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۵۳).

د. فتنه

در تعریف «فتنه» در فرهنگ *ابجدی* آمده است: «الْفِتْنَةُ (جمع: فِتْنٌ): اختلاف مردم در عقاید و آراء و آنچه که باعث جنگ میان آنان شود، آزمایش، گرفتاری، عبرت گرفتن، سختی، عذاب، بیماری، دیوانگی، کفر و گمراهی، رسوایی، مال و فرزندان» (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۵۵).

در *تاج العروس* درباره مصادیق فتنه آمده است: «الْفِتْنَةُ الْمَحْنَةُ و الْفِتْنَةُ الْمَالُ»: فتنه یعنی وسیله امتحان، فتنه یعنی مال (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۴۲۶). همچنین نویسنده کتاب برای روشن شدن لغت «فتنه» حدیثی را از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند که انسان‌ها در فتنه قرار می‌گیرند تا خالص گردند: «فی حدیث علیٍّ - رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ - وَ ذَكَرَ فِتْنَةً فَقَالَ: "يُمَحَّصُ النَّاسُ فِيهَا كَمَا يُمَحَّصُ ذَهَبُ الْمَعْدِنِ" ای: يُخْلَصُونَ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ كَمَا يُخْلَصُ ذَهَبُ الْمَعْدِنِ مِنَ التُّرَابِ» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶۰). امیر مؤمنان علیه السلام فتنه را ذکر نمودند، سپس فرمودند: مردم در فتنه آزموده می‌شوند؛ مانند اینکه طلای معدن را می‌آزمایند؛ یعنی بعضی از مردم از بعض دیگر خالص می‌گردند؛ همان گونه که

طلای معدن از خاک معدن خلاص می‌گردد و خالص می‌شود. ایمان مردم نیز در فرایند فتنه‌ها آزموده می‌شود و افراد ناخالص از خالص جدا می‌گردند.

چارچوب نظری تحقیق

۱. متن و ترجمه حدیث

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «مَحَوْتُ دِيَوَانَ الْعَطَاءِ وَ أَعْطَيْتُ كَمَا كَانَ يُعْطَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ أَجْعَلْهَا دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» (هلالی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۷۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ کلینی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۴، ص ۱۷۴ و ۱۶۸؛ سیدین طاووس، ۱۴۲۰ق؛ خوئی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۶۲؛ ج ۴، ص ۲۹۷؛ بحرانی، ۱۳۷۸ق، ص ۵۱۹)؛ من دفتر عطا و بخشش را محو ساختم و عطا نمودم همان گونه که پیامبر خدا عطا می‌نمود و بیت‌المال را دولت در دست ثروتمندان قرار نمی‌دهم.

سلیم‌بن قیس هلالی از خواص و یاران و هم‌عصر امیر مؤمنان علی علیه السلام این حدیث را در کتاب خود از امیر مؤمنان علیه السلام نقل نموده و حدیث هجدهم است.

این حدیث در کتب حدیثی توسط محدثان قدیم و جدید ذکر شده است. متن حدیث در این کتب تفاوت اندکی دارد، اما معنا و مفهوم حدیث یکی است:

۱. «محوت» در همه نقل‌ها یکی است.
۲. «دیوان» و جمع آن «دواوین» در کتب آمده است که منظور دفتر و دفاتر است.
۳. «عطاء و اعطیه و عطايا» در کتب آمده که منظور مزیای و بخشش‌هاست.

۲. چیستی و تاریخچه دفتر عطایا

«أَوَّلُ مَنْ دَوَّنَ الدَّوَاوِينَ عَمْرٌ» (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۰)؛ اولین کسی که دیوان‌ها و دفترها را تهیه و تدوین نمود عمر (خلیفه دوم) بود و «أَوَّلُ مَنْ فَضَّلَ قَوْمًا فِي الْعَطَاءِ هُوَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ كَمَا اعْتَرَفَ بِهِ ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ وَ غَيْرُهُ مِنْ عُلَمَائِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۴۷)؛ اولین کسی که قومی را در دریافت عطا و بخشش برتری داد خلیفه دوم عمر بن خطاب بود؛ همان گونه که ابن‌ابی‌الحدید و دیگران اعتراف کرده‌اند.

در ترجمه کتاب قدیمی و دست اول سلیم‌بن قیس هلالی (از اصحاب و یاران امیر مؤمنان) درباره دیوان عطایا و تاریخ آن و مبالغ‌هدیای آن آمده است: «دیوان عطایا» دفتری بود که به دستور خلیفه دوم آن را تنظیم کردند تا هنگام تقسیم بیت‌المال مردم طبقه‌بندی شوند و برای هر درجه‌ای حقوق خاصی تعیین گردید، برخلاف زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که بیت‌المال بین همه مردم به طور مساوی تقسیم می‌شد (هلالی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۸۳).

در بحار الانوار نقل شده است طبق این برنامه، برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هریک ده هزار، و برای عایشه دو هزار سکه بیشتر قرار داد. برای مهاجرانی که در جنگ بدر بودند پنج هزار، برای انصار چهار هزار، برای آنان که از جنگ

احد تا حدیبیه شرکت داشتند چهار هزار، برای آنان که بعد از حدیبیه در جنگ‌ها شرکت کردند سه هزار، برای آنان که بعد از پیامبر ﷺ در جنگ‌ها شرکت داشتند از دو هزار تا دویست هزار درهم طبقه‌بندی کرد. زنان را هم از پانصد تا دویست طبقه‌بندی نمود و این برنامه در سال بیستم هجرت واقع شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۴).

در شرح این حدیث در **الکافی** آمده است: دواوین عطایا دفاتری بود که عطایا و مزایایی از بیت‌المال به قدر حالات افراد در آن نوشته می‌شد و اولین کسی که این دفاتر را جعل نمود خلیفه دوم بود و سنت رسول خدا ﷺ بر این بود که بین شریف و وضعی، بالادست و پایین دست، عرب و عجم، مهاجر و انصار فرقی نمی‌گذاشت و خلیفه دوم بر خلاف سیره رسول خدا ﷺ این برتری دادن را وضع نمود و مهاجران را بر انصار و انصار را بر غیر آنها و عرب را بر عجم و برخی زنان را بر دیگران تفضیل داد (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱، ص ۳۷۳).

همچنین **کمره‌ای** در شرح این حدیث در کتاب **الکافی** از علت و کاربرد این دفاتر گفته است: چون فتوحات اسلامی پیشرفت کرد و سیل غنایم به مدینه سرازیر شد خلیفه دوم را دریغ آمد که همه آنها را بر همه مسلمانان بر برابر قسمت کند و دفتری تنظیم کرد و حقوق منظم و متفاوتی برای هر طبقه از مسلمانان در آن ثبت کرد. در این دفتر قبایل قریش را مقدم داشت و در میان قریش، مهاجران و حاضران جنگ بدر و زنان پیغمبر را در بهره بیت‌المال بر دیگران برتری داد و سهم بیشتری برای آنها مقرر ساخت و چون اینان بر اثر کثرت واردات اسلامی ثروتمند و توانگر شدند در امر بیت‌المال و بودجه نفوذ پیدا کردند و به سود خود در مقررات آن تصرف می‌کردند و این خود از بدعت‌های خلیفه دوم بود که تا چند قرن اول اسلام بدان عمل می‌شد (کلینی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۰۲).

۳. نتیجه ایجاد دفاتر عطایا

در کتاب‌های علامه مجلسی و **آیت‌الله خوئی** آمده است: «الدواوین التي بُنيت على التفضيل بين المسلمين في أزمان الثلاثة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۱۳۴؛ ج ۳۴، ص ۱۷۷؛ خوئی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۷۷)؛ دیوان عطایا بر تفضیل بین مسلمانان در زمان سه خلیفه بنا شده بود. به عبارت دیگر، نتیجه تشکیل این دفاتر - به قول امروزی‌ها - شکاف طبقاتی بین مردم بود. تفضیل و تبعیض محصول ایجاد دفاتر^۵ عطایا بود.

۴. مشمولان و مبالغ دفاتر عطایا

علامه مجلسی در **بحار الانوار** به نقل از **ابن ابی‌الحدید** به نقل از **ابن جوزی** گفته است: خلیفه دوم از اصحاب خود مشورت گرفت و گفت: در تقسیم اموال بیت‌المال از چه کسی شروع کنم؟ اصحاب گفتند: از خودت. گفت: بلکه از آل رسول خدا و خویشان و نزدیکان رسول خدا شروع می‌کنم. سپس برای **ابن عباس** پانزده هزار و در برخی نقل‌ها دوازده هزار درهم (بیشترین مبلغ اهدایی از بیت‌المال)، برای همسران پیامبر هر کدام ده هزار درهم، برای عایشه دوازده هزار درهم که عایشه امتناع نمود و خلیفه دوم گفت: تو در نزد رسول خدا جایگاه ویژه‌ای داشتی. برای

جویریة و میمونہ و صفیہ ہمسران دیگر پیامبر شش ہزار درہم کہ عایشہ گفت: رسول خدا بین ما بہ عدالت رفتار می کرد کہ خلیفہ دوم این سہ تن را بہ دیگر ہمسران ملحق نمود. برای مہاجران کہ در جنگ بدر شرکت کردند پنج ہزار درہم، برای انصار کہ در جنگ بدر شرکت کردند چہار ہزار درہم، برای کسانی کہ در غیر جنگ احد شرکت نمودند چہار ہزار درہم، و برای کسانی کہ در غیر جنگ بدر و احد شرکت نمودند سہ ہزار درہم و... بر ہمین منوال، خلیفہ دوم از دنیا رفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۴۴-۴۷).

۵. علل ایجاد دفا تر عطا یا

امیر مؤمنان علیؑ در خطبہ ۵۰ *نہج البلاغہ* علل و ریشہ‌های ایجاد این بدعت‌ها و تغییر روش و سیرہ رسول خداؐ را چنین بیان می کنند: «منشأ فتنہ و فسادها (در میان مردم) پیروی از خواہش‌های نفس است و احکامی کہ برخلاف شرع صادر گردد. کتاب خدا (قرآن کریم) با آن خواہش‌ها و حکم‌ها مخالف است، و (ہمچنین از اسباب فتنہ و فساد آن است کہ) گروهی از مردم دیگران را بر خواہش‌ها و حکم‌های برخلاف دین یاری و پیروی می کنند (چون حق و باطل را در ہم می نمایند فتنہ و فساد ظاہر می شود). پس اگر باطل با حق در ہم نمی شد راه حق بر خواہان آن پوشیدہ نمی گردید، و اگر حق در میان باطل پنهان نمی بود دشمنان (ہرگز) نمی توانستند از آن بدگویی کنند، لیکن چون قسمتی از حق و قسمتی از باطل فراگرفته، درہم می گردد آنگاہ شیطان بر دوستان خود تسلط پیدا می کند (برای گمراهی فرصت بہ دست آورده، باطل را در نظر خواہان حق جلوہ می دہد و راه بدگویی را برای دشمنان دین باز می نماید) و کسانی کہ لطف خدا شامل حالشان گردیدہ است (از گمراهی شیطان) نجات می یابند (و از آمیزش حق بہ باطل در شبہہ نمی افتند)» (*نہج البلاغہ*، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۸).

آیت‌اللہ خوئی در کتاب *منہاج البراعہ* در شرح *نہج البلاغہ* (ص ۲۹۲-۳۰۱) بہ بیان و شرح این خطبہ و علل انحراف‌ها و بدعت‌ها پرداختہ است و در پایان، بدعت‌هایی را کہ بعد از رحلت پیامبر اکرمؐ در جامعہ اسلامی اتفاق افتاد و بہ حدیث «محتو دیوان العطا یا» اشارہ می کند. ایشان گفتہ است: مقصود از این خطبہ توییح مردم بہ خاطر متابعت از ہواہای نفسانی و نظرات گمراہ کننده است کہ موجب می شود از صراط مستقیم عدول کنند؛ همان کہ منجر بہ وقوع فتنہ‌ها و فساد در نظم عالم گردد.

بدین روی امام رضاؑ بہ *یونس بن عبدالرحمان* فرمودند: «یونس! بدعتگذار نباش. ہر کس خودرأی باشد ہلاک می گردد، و ہر کس اہل بیت را ترک کند گمراہ می شود». مستفاد از این حدیث آن است کہ وقتی عمل بہ رأی کنی و از ہوای نفسانی تبعیت نمایی مردانی بر سر کار خواہند آمد کہ آن نظرات گمراہ کننده را تقویت خواہند کرد و یاری خواہند نمود.

امیر مؤمنان علیؑ بہ اسباب آراء گمراہ کننده اشارہ می کنند؛ یعنی امتزاج مقدمات حق با باطل کہ انسان‌های باطل از این امتزاج مجہولات را استخراج می کنند. این خطبہ در کتاب *الکافی*، باب بدعت‌ها و رأی و مقایس از کتاب «عقل و جہل» آمدہ است.

همچنین در **روضه کافی** حدیث دیگری است که **سلیم بن قیس هلالی** از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند: «من از دو چیز بر شما می‌ترسم: یک تبعیت از هوا و دیگری آرزوهای طولانی. والیان قبل از من اعمالی را انجام دادند که مخالف رسول خدا بود: از روی عمد مخالفت ورزیدند، عهد او را نقض کردند، سنت رسول خدا را تغییر دادند که اگر بخواهم آن اعمال را ترک کنم و به زمان رسول خدا برگردم هر آینه جنود من از کنارم پراکنده می‌شوند تا اینکه فقط خودم و تعداد اندکی از شیعه من باقی می‌ماند که جایگاه مرا می‌شناسند... دیوان عطایا را محو کنم و همان‌گونه که رسول خدا از بیت‌المال اعطا می‌کرد عطا کنم و اموال را دولت در دست اغنیا قرار ندهم» (هاشمی خوئی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۷).

در تشکیل دیوان عطایا (خوش‌بینانه) تقدیر و تجلیل از سابقان و مجاهدان و رزمندگان اسلام وجود داشت، اما این کار زمانی منجر به استخراج یک باطل می‌گردد که این هدف با وسیله نامشروع تقسیم ناعادلانه بیت‌المال و ترجیح برخی از خواص بر عموم مردم توجیه گردد و این یعنی: امتزاج حق و باطل.

ع. برخورد امیر مؤمنان علی علیه السلام با دیوان عطایا

همان‌گونه که به نظر می‌آید و از این گزارش تاریخی که علامه مجلسی در **بحار الانوار** در خصوص تقسیم بیت‌المال بین خواص بیان کرده است، توجیه خلیفه دوم در تقسیم بیت‌المال بدین صورت، امتیازات و ویژگی‌های خواص بود که به سه گروه تقسیم می‌شدند:

۱. همسران پیامبر به سبب قربایت با رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی **عایشه** علت زیادی سهم خود از بیت‌المال را پرسید، خلیفه دوم گفت: تو صاحب شأن و جایگاه نزد پیامبر هستی.

۲. خویشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند **ابن عباس** پسرعموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

۳. رزمندگان و مجاهدان جنگ‌های طاقت‌فرسای اسلام که عده‌ای از مسلمانان برای بقا و استمرار اسلام جانفشانی کردند. به نظر می‌رسد خلیفه دوم برای قدردانی از آنها سهم بیشتری از بیت‌المال برایشان قرار داد.

به عبارت دیگر، خلیفه دوم برای خود و خانواده و نزدیکان خود سهم بیشتری از بیت‌المال ایجاد نکرد، بلکه برای خواص جامعه این تقسیم را با توجیهاات خود انجام داد، اما وقتی حضرت علی علیه السلام بر مسند حکومت قرار گرفتند، فرمودند: «من بر همان سیره رسول خدا اعطا می‌نمایم». همچنین علامه مجلسی نوشته است:

أن أمير المؤمنين عليه السلام أبطل سيرة خليفه ثانی فی ذلك، و رد الناس الى السنة و القسم بالسوية و هو **يدور مع الحق و يدور الحق معه** حیثما دار بنص الرسول صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۴۸).

امیر مؤمنان علیه السلام سیره و روش خلیفه دوم در دیوان عطایا را باطل نمودند و مردم را به سنت و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قسمت عادلانه بازگرداندند و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله علی - که سلام بر او باد - همراه با حق است و حق همراه علی هر جا باشد.

یکی دیگر از اقدامات امیر مؤمنان علی علیه السلام محو و امحا در مقام گفتار و عمل بود که در حدیث «محوت دیوان العطایا» به آن اشاره شد. «محو و امحا» در جایی به کار می‌رود که محوکننده کاری می‌کند که اثری از شیء محوشده باقی نمی‌ماند، به‌گونه‌ای که هیچ اثری از شیء بعد از محو وجود ندارد؛ یعنی مبارزه با فرهنگ و مکتب تبعیض و تقسیم ناعادلانه بیت‌المال بین مردم و مقابله با ترجیح خواص.

در تکمیل مطالب فوق، امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه منبریه (خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه) یکی از وظایف حاکم جامعه اسلامی را تقسیم عادلانه بیت‌المال بین مسلمانان بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «ظالم در بیت‌المال نباید حاکم باشد. خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد... ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹).

بی‌شک این برخورد از روی عدالت برای برخی که سهام بیشتری از بیت‌المال داشتند گران آمد و شروع به اعتراض نمودند. ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه در اخبار طلحه و زبیر آورده است: وقتی طلحه و زبیر از تقسیم بیت‌المال به مساوات باخبر شدند، خلیفه دوم را مدح کردند و از سیره او را تمجید نمودند و رأی خلیفه دوم را صحیح خواندند و گفتند: او اهل سوابق را برتری می‌داد و حضرت علی علیه السلام را در رأی خود گمراه دانستند و گفتند: علی به خطا رفته و با سیره خلیفه دوم مخالفت کرده است و گفتند: این سیره پسندیده‌ای است؛ زیرا بزرگان مسلمانان را بر دیگر مردم برتری داده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۱۱).

همچنین امیر مؤمنان علی علیه السلام اهل نگاه به انساب و سوابق و خدمات مدیریتی و جهادی نبودند. طلحه و زبیر بعد از اینکه سهم خود را مانند دیگر مردم از حکومت عدل علوی دریافت کردند، نزد حضرت علی علیه السلام آمدند و گفتند: ما دارای سوابق و خدمات هستیم و در راه اسلام سختی‌هایی کشیده‌ایم و از نزدیکان پیامبریم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «سابقه شما در اسلام بیشتر است یا من؟» گفتند: سابقه شما. پرسیدند: «خدمات و سختی‌ها شما برای اسلام بیشتر است یا خدمات من؟» گفتند: شما. فرمودند: «به خدا سوگند، من و کارگری که برای من کار می‌کند در استفاده از بیت‌المال یکسان هستیم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۲۱).

۷. دلایل امیر مؤمنان علی علیه السلام برای محو دیوان عطایا

امیر مؤمنان علیه السلام در ادامه حدیث «محوت دیوان العطاء»، علت محو دیوان عطایا را چنین برشمردند: «لَمْ أَجْعَلْهَا دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ»؛ یعنی «آن یتدالووه بینهم و یحرموا الفقراء» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۶۱). منظور از جمله مزبور این است که مال بین ثروتمندان دست‌به‌دست شود و فقرا را محروم سازند. «و هو ما یتداول من المال، فیکون لقوم دون قوم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۳۴). «دولت» یعنی اینکه مال دست‌به‌دست گردد و مال برای عده‌ای باشد و برای عده‌ای نباشد.

مشابه کلام حضرت در سخن خدا در قرآن آمده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷)؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد.

علامه طباطبائی ذیل این آیه اقتصادی می‌نویسد: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» یعنی: حکمی که ما درباره مسئله فیه کردیم، تنها برای این بود که این‌گونه درآمدها دولت میان اغنیاء نشود، و «دولت» چیزی را گویند که در بین مردم متداول است و دست‌به‌دست می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۵۳).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در شأن نزول این آیه می‌نویسد: جمعی از رؤسای مسلمانان خدمت پیامبر ﷺ آمدند و عرض کردند: برگزیده خود و یک چهارم از این غنایم را برگیر و بقیه را در اختیار ما بگذار تا در میان خود تقسیم کنیم، آن‌گونه که در زمان جاهلیت قبل از اسلام بود! آیه فوق نازل شد و به آنها اخطار کرد: نباید این اموال دست‌به‌دست میان اغنیاء بگردد! این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به مالکیت خصوصی، برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال در دست گروهی محدود متمرکز نشود که پیوسته در میان آنها دست‌به‌دست بگردد. البته این به آن معنا نیست که ما از پیش خود قانون وضع کنیم و ثروت‌ها را از گروهی بگیریم و به گروه دیگری بدهیم، بلکه منظور این است که اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و همچنین مالیات‌هایی همچون خمس و زکات و خراج و غیر آن و احکام بیت‌المال و انفال درست پیاده شود خودبه‌خود چنین نتیجه‌ای خواهد داد که در عین احترام به تلاش‌های فردی، مصالح جمع تأمین خواهد شد و از دوقطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۰۷).

در حکمت ۳۲۸ **نهج البلاغه** آمده است: «خدای سبحان روزی فقیران را در اموال توانگران واجب نموده و هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند، مگر آنکه توانگری از وی بهره برده است».

امیر مؤمنان علیؑ به‌عنوان حاکم اسلامی، با اجرای عدالت فراگیر و قطع دست‌زاده‌خواهان از بیت‌المال و تقسیم مساوی اموال بین مردم، با فرهنگ سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری مبارزه می‌کردند که عده‌ای در جامعه فربه اقتصادی باشند و عده دیگری نان شب نداشته باشند. به عبارت دیگر، نظام اقتصادی دین اسلام بر عدالت و تقسیم بالسویه بنا شده است که همه مردم از بیت‌المال بهره لازم را ببرند، نه اینکه فقط عده قلیلی با انحصار و ساختن امتیاز برای خود و توجیهات از بیت‌المال سهم بیشتری ببرند و عده کثیری محتاج تأمین نیازهای اصلی خود باشند.

دلیل دیگر را امیر مؤمنانؑ در قداست و جایگاه بیت‌المال و حرمت اسراف در آن بیان می‌فرماید: «اگر این مال‌ها ملک شخصی من هم بود مساوات را رعایت می‌کردم، چه رسد که مال خود آنهاست (و

من عاملی بیش نیستم). هر که مالی دارد باید از فساد بپرهیزد. بیجا مصرف کردن مال تبذیر و اسراف است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵).

۸. ترجیح مشروع مالی

امیر مؤمنان علی علیه السلام مخالف رجحان مالی به صورت کامل نبودند، بلکه می‌فرمودند: اگر قرار بر ترجیح مالی باشد باید نیازمندان جامعه اسلامی در اولویت قرار بگیرند (نه کسانی که هر روز پول روی پول می‌گذارند). آن که مالی به دست آرد باید در آزادی گرفتار و اسیر، کمک بدهکاران، در راه ماندگان، بینوایان و آوارگان صرف کند، و به کارهای ثواب و ادای حقوق (برادران) پردازد، تا با این خصال شرف دنیا و فضیلت آخرت را دریابد (همان، ص ۲۸۵).

۹. مصداق روز فتنه مالی

در متون بالا به بررسی ابعاد دفاتر عطایا اشاره شد و اینکه علما ذیل خطبه ۵۰ *نهج البلاغه* به این بدعت و فتنه مالی اشاره کرده‌اند. اما در حال حاضر جامعه اسلامی نیز با پدیده «حقوق‌های نجومی» روبه‌روست که مذمت رهبر انقلاب و اندیشمندان و مردم را در پی داشته و به نوعی فتنه جدید مالی را به بهانه مدیر بودن و با سابقه بودن در جامعه ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، دوباره در طول تاریخ برخی افراد در جامعه با مال و پول مورد امتحان قرار گرفته‌اند.

با جست‌وجوی واژه «حقوق‌های نجومی» در اینترنت، ارقام و مبالغ حقوق نجومی و نام دریافت‌کنندگان و تصاویر معتبر فیش‌های حقوقی آنان به دست می‌آید. قضیه حقوق‌های نجومی در کشور برای کسانی که اخبار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کنند پوشیده نیست و از سال ۱۳۹۵ با افشای فیش‌های این حقوق‌ها در فضای مجازی وارد ادبیات سیاسی جامعه شد. برخی مدیران و اعضای هیأت مدیره و هیأت امنای در کشور به سبب نبود نظارت و شفافیت در مسائل اقتصادی، مبالغ نامتعارفی از بیت‌المال برداشته کرده‌اند که باعث تأسف و نگرانی و بدبینی نسبت به نظام اسلامی می‌گردد.

آنچه در متون بالا از تاریخ صدر اسلام ذکر شد، صرف یک نقل تاریخی نبود، بلکه یادآوری تاریخ باید منجر به عبرت‌گیری از تاریخ شود تا دوباره مصادیق تاریخی تکرار نگردد. خداوند در آیه ۲ *سوره «حشر»* و آیه ۱۱۱ *سوره «یوسف»* به عبرت‌گیری از گذشتگان امر فرموده است. پدیده حقوق‌های نجومی و برداشت‌های نامتعارف از بیت‌المال در سال‌های اخیر، توسط برخی مدیران کشور، همچون ایجاد دفاتر عطایا در صدر اسلام، برای خواص جامعه اسلامی بود که بین این دو وجوه اشتراک و وجه افتراقی وجود دارد:

اولین وجه اشتراک این است که خلیفه دوم برای دادن امتیازات مالی به خواص توجیه داشت. برای مثال، وقتی عایشه به او گفت: چرا دوازده هزار درهم؟ گفت: تو نزد پیامبر دارای جایگاه ویژه بودی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۴۴).

یا برای رزمندگان جنگ‌های احد و بدر به علت اینکه جانفشانی کردند و برای اسلام جنگیدند، امتیاز مالی قائل شد که حضرت علی علیه السلام بعد از قرار گرفتن در مسند حکومت، روش عادلانه را پیش گرفتند و سخن از محو دیوان عطایا و قطع مستمری خواص از بیت‌المال گفتند و به عبارت دیگر، با فرهنگ ترجیح خواص بر عوام مبارزه کردند.

در حال حاضر نیز با توجیه اینکه مدیر ذخیره انقلاب و امانتدار است (پایگاه اینترنتی جامعه خبری الف، بخش اقتصادی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۵) یا بیشتر از مردم کار می‌کند، یا توجیه اینکه بازدهی اقتصادی و بهره‌وری اقتصادی دارد، حقوق بالا دریافت می‌کند.

دکتر رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای انقلاب فرهنگی، می‌گوید: صاحبان حقوق‌های نجومی توجیه می‌کنند که این حق و سهم ما از انقلاب است. این حق مادری است که چهار فرزند شهید دارد و در خانه‌های مردم کار می‌کند (خبرگزاری تسنیم، ۲ دی ۹۵). شیخی نویسنده کتاب *اقتصاد و برنامه‌ریزی* و کارشناس اقتصادی گفته است: این حقوق‌ها تعادل کلان اقتصادی را بر هم زده و نوعی دزدی توجیه شده از بیت‌المال است (پایگاه اینترنتی نسیم، ۵ تیر ۱۳۹۵).

دومین وجه اشتراک این است که همان‌گونه که دفاتر عطایا توسط حاکم وقت جامعه اسلامی (خلیفه دوم) قانونی شد و به دستور او «دیوان عطایا و مزایا» تشکیل گردید، حقوق‌های نجومی نیز در جلسات هیأت مدیره شرکت‌ها و هیأت‌امنا و مجامع مصوب، و به نوعی قانونی می‌گردد. آنچه در تبصره ماده ۷۶ «قانون مدیریت خدمات کشوری» درباره حقوق و دستمزد آمده این است که سقف حقوق ثابت و فوق‌العاده مستمر نباید از ۷ برابر حداقل حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر تجاوز کند. با وجود این قانون، بنابر گزارش رسمی دیوان محاسبات کشور در سال ۱۳۹۵ (سال جنجال و افشای فیش‌های حقوق نجومی در جامعه) از قریب ۹۳ هزار و ۴۶۰ تن از مقامات و مدیران کشور در سال ۱۳۹۴ که تعداد ۱۳ هزار و ۸۷۳ تن آنها از جمله مقامات و رده‌های بالای مدیریتی بودند، تعداد ۳۹۷ تن (معادل ۰/۴ درصد) دارای دریافتی ماهانه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال بودند. کل مبلغ پرداخت شده مزاد بر ۲۰۰ میلیون ریال به ۳۹۷ نفر از مقامات و مدیران مذکور ۲۳۳ میلیارد و ۶۲۷ میلیون و ۸۷۳ هزار و ۳۵۰ ریال بوده است (خبرگزاری ملت، مهر ماه ۱۳۹۵).

به عبارت دیگر، هر مدیر در سال ۱۳۹۴ به‌طور میانگین، ماهیانه ۵۸ میلیون و ۸۴۸ هزار تومان (۳۸ میلیون تومان بیش از حد قانونی) از بیت‌المال ارتزاق نموده است. همچنین در گزارش دیوان محاسبات از پاداش سالیانه، به مبلغ ۲۹۰ میلیون تومان و وام به مبلغ ۸۷۰ میلیون تومان از بیت‌المال سخن به میان آمده است (ر.ک: به گزارش مبسوط دیوان محاسبات کشور که در مهر ۱۳۹۵ توسط ریاست دیوان محاسبات کشور در مجلس شورای اسلامی قرائت شد).

وجه افتراق این دو هم در این است که در دفاتر عطایا و دیوان اعطیه یک نوع برداشت به‌عنوان مستمری از بیت‌المال وجود داشت، اما در فیش‌های حقوق نجومی علاوه بر حقوق ماهیانه، حق عائله‌مندی، فوق‌العاده مستمر و

غیرمستمر و فوق‌العاده ویژه، وام اتومبیل مدیران، وام مسکن، وام تعمیرات، وام ضروری، اضافه‌کار، پاداش‌های عملکردی و سالیانه، بدی آب و هوا، فوق‌العاده شرایط محیط کار، کمک هزینه تلفن همراه، حق عضویت در هیأت‌امنا و هیأت‌مدیره و مجمع عمومی، بهره‌وری اقتصادی و بازدهی اقتصادی، کمک‌های رفاهی مستقیم و غیرمستقیم به مدیران پرداخت می‌گردد که مبالغ برخی از این ردیف‌ها خارج از نیاز است (پایگاه اینترنتی مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۲۲ اسفند ۱۳۹۸).

۱۰. اقدامات حکومتی در برابر حقوق نجومی

امیر مؤمنان علی علیه السلام به‌عنوان حاکم و رهبر جامعه اسلامی، هم در گفتار، هم در رفتار با انحصارطلبی و اشرافیگری خواص مبارزه نمودند. در حال حاضر هم ولی‌فقیه و نایب‌عام امامت‌ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان حاکم و رهبر جامعه اسلامی، این نکات را در گفتار و بیانیه و دستور حکومتی به مسئولان گوشزد می‌کنند. مقام معظم رهبری در متن «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» می‌فرماید:

فساد اقتصادی و... توده چرکین کشورها و نظام‌ها، اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود زلزله‌ای ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ، یعنی حکومت خود امیرالمؤمنین کسانی را لغزاند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و هست (بیانیه گام دوم انقلاب).

رهبر معظم انقلاب شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی را «طهارت اقتصادی» می‌داند. همچنین در تیرماه سال ۱۳۹۵ در سخنرانی عید فطر درباره ماهیت حقوق‌های نجومی فرمود:

این برداشت‌ها نامشروع است، این برداشت‌ها گناه است، این برداشت‌ها خیانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

همچنین در خصوص عامل روی آوردن به برداشت‌های نامتعارف می‌فرماید:

آسیب‌های ناشی از مستی اشرافیگری را گناه درست نمی‌شناسیم. وقتی اشرافیگری، اسراف، و تجمل در جامعه وجود داشته باشد و ترویج بشود، این قضا یا به دنبالش پیش می‌آید و به وجود می‌آید و همه دنبال این هستند که یک طعمه‌ای به دست بیاورند و خودشان را از آن سیر کنند، شکم‌ها را از این مال‌های حرام پُر کنند.

در پایان هم درباره برخورد دولت با نجومی بگیریها می‌فرماید:

دریافت‌های نامشروع باید برگردانده بشود، و اگر کسانی بی‌قانونی کرده‌اند مجازات بشوند، و اگر سوءاستفاده از قانون هم شده است بایستی اینها را از این کارها برکنار بکنند. اینها کسانی نیستند که لیاقت این را داشته باشند که در این مراکز قرار بگیرند. با این پدیده بایستی با جدیت مقابله بشود.

برخورد با فتنه‌های مالی در مدیریت اسلامی با نگاه به نامه ۵۰ «نهج البلاغه» ❖ ۳۵

مسئله عزل کردن و برکنار کردن و برگرداندن آنچه از بیت‌المال به صورت نامشروع خارج شده است، این را در دستور قرار بدهند (بیانات رهبر معظم انقلاب، عید فطر ۱۳۹۵).

رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای هیأت دولت در شهریور ماه سال ۱۳۹۵ به عدم رعایت عدالت در پرداخت حقوق اشاره فرمود:

مردم حقوق شصت میلیون تومان و پنجاه میلیون تومان و چهل میلیون تومان را خوب هضم می‌کنند؛ یعنی کسی که در ماه یک میلیون یا یک میلیون و دویست یا یک میلیون و پانصد درآمد دارد خوب می‌فهمد که پنجاه میلیون یعنی چه...؛ مثلاً فرض کنید یک نفری با یک کار حقوق غیرعادلانه همه را ضایع کند. آیا فاصله بین پنجاه میلیون و یک میلیون غیرعادلانه نیست؟ به نظر من برای متخلف اصلاً نباید عذر تراشید. برخورد هم بایستی قاطع باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵).

همچنین در دیداری که با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت سیزدهم در شهریور سال ۱۴۰۰ داشت، مجدداً به ارتباط فساد و حقوق نجومی اشاره نمود:

مسئله فسادستیزی هم که عرض کردیم، آن هم مکمل عدالت‌ورزی است. با فساد باید مقابله کرد. یکی از بلاهای مهمی که در کشور به وجود می‌آید که درست ضد عدالت است، وجود فساد، وجود ویژه‌خواری، وجود استفاده‌های سوء، اختلاس، برخورداری‌های بی‌مورد، بیجا و امثال اینهاست. یک وقت کسی یک کار مهمی انجام می‌دهد. شما یک پاداشی به او می‌دهید. خوب، این عیب ندارد. اما یک وقت عزیزهایی بی‌جهت، برخورداری‌های زیادی از امکانات کشور دارند. خوب، چرا؟ که بحث حقوق‌های نجومی یک گوشه‌ای و یک بخش کوچکی از این مسئله بود که مطرح شد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۴۰۰).

بنا بر گزارش رئیس دیوان محاسبات کشور، در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۹۷، ۲۴۱ تن که حقوق نامتعارف دریافت می‌کردند، شناسایی شدند و این افراد بیش از سقف قانونی مشخص شده حقوق دریافت می‌کردند. ۳۶۰ پرونده به دادسرا ارسال شده که مجموع تخلفات آنها قریب ۱۰ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان است و البته حکم برخی از آنها صادر شده است. قریب ۵۷ میلیارد تومان مجموع تخلفات دریافتی ۲۴۱ مدیر بوده است که تا قبل از ارسال پرونده به دادسرا ۲۹ میلیارد تومان آن برگشت داده شد (خبرگزاری تسنیم، ۲۶ فروردین ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

۱. تمام تلاش حاکمان و مسئولان جامعه اسلامی باید بر این باشد که تفضیل و تبعیض مالی عده‌ای قلیل بر جمعیتی کثیر بی‌دلیل در جامعه تبدیل به فرهنگ نشود؛ زیرا بعد از جا افتادن این فرهنگ که مخالف کتاب خدا و سیره پیامبر اکرم ﷺ است، مبارزه با آن برای حاکم و رهبر اسلامی سخت می‌شود. امیر مؤمنان علیؑ می‌فرماید:

«قد عملت الولاية قبلي أعملاً خالفوا فيها رسول الله، متعمدين لخلافه، ناقضين لعهد، مغيرين لسنته؛ و لو حملت الناس على تركها و حوثتها الى مواضعها و الى ما كانت في عهد رسول الله لتفرق عني جندي، حتى أبقى وحدي أو قليل من شيعة الذين عرفوا فضلي» (خوئی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۹۷)؛ خلفای قبل از من اعمالی انجام دادند که در این اعمال با رسول خدا مخالفت کردند. از روی عمد خلاف کردند، عهد رسول خدا را نقض نمودند، سنت او را تغییر دادند، و اگر من بخواهم مردم را به ترک این اعمال وادارم و این اعمال را به موضع خود و به آنچه در زمان رسول خدا بوده است برگردانم هرآینه لشکر من از گردم پراکنده می‌شوند تا اینکه تنها بمانم، مگر عده کمی از پیروان من که فضل مرا می‌شناسند.

در حال حاضر نیز اگر با فرهنگ اشرافیگری و تجمل‌گرایی و برداشتهای نامتعارف برخی از مدیران از بیت‌المال - که با توجیه‌های گوناگون صورت می‌گیرد - مبارزه نشود همان مدیران متخلف برداشتهای قانونی و حق خود می‌دانند و تا حقوق بالا دریافت ندارند، کار نمی‌کنند. به نقل از یکی از وزیران دولت یازدهم کشور، مدیر دولتی اگر ۲۴ میلیون حقوق نگیرد، می‌رود و کار نمی‌کند (پایگاه اینترنتی جامعه خبری تحلیلی الف، ۳۰ مرداد ۱۳۹۷).

۲. درست است که مدیر ارشد دولتی از نظر وقت و کار نسبت به بقیه مردم برای نظام اسلامی و بقا و عزت آن و رونق اقتصادی بیشتر تلاش می‌کند و بنا بر ماده ۷۶ «قانون مدیریت خدمات کشوری» می‌تواند ۷ برابر حداقل حقوق دریافت نماید (در سال ۱۳۹۹ این مبلغ ماهیانه ۵۰ میلیون تومان اعلام شده است)، اما همه این زحمات با پاداش و حقوق و وام و مزایا جبران نمی‌شود.

آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای در ترجمه احادیث *الخصال* جمله جالبی گفته است: بیت‌المال که حق قشون مجاهد اسلام و کارمندان دولت اسلامی است، به طور برابر و مساوات تقسیم شود؛ زیرا حقوق برای گذران و معاش است و هر کس در هر رتبه‌ای باشد نیازهای مالی او با دیگران برابر است. احتیاج به خوراک و لباس و لوازم دیگر زندگانی در افراد برابر است. مزد رتبه و مقام که در قانون اسلام به تقوا و دانش است، با خدا و در آخرت است، نه با پول و حقوق که خلیفه دوم قرار داد کرد (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۱). البته تحقق این امر نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام هم در گفتار و هم در رفتار با زیاده‌خواهی و انحصارطلبی و امتیازخواهی عده‌ای مانند طلحه و زبیر از بیت‌المال مبارزه نمودند و در آخر، به علت عدالت‌خواهی در محراب نماز به شهادت رسیدند. قاطعیت کلام حضرت در روایت (مَحَوْتُ) نشان از محو آثار تبعیض و ناعدالتی از جامعه می‌دهد. در عصر حاضر نیز، هم در حوزه تبیین جایگاه بیت‌المال و مصارف حقیقی آن، باید سخنوران و فرهنگ‌سازان و صاحبان بیان و قلم سخن بگویند و هم دستگاه‌های نظارتی و قضایی و سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور باید با متخلفان برخورد قاطع نمایند و مبالغ را به بیت‌المال بازگردانند.

۴. بنا بر سیره امیر مؤمنان^{علیه السلام} مبارزه با فرهنگ و تبعیض معطلی ندارد و حضرت از روزهای آغازین حکومت نسبت به تقسیم مساوی بیت‌المال اقدام و با انحصارها و تبعیض‌ها مقابله نمودند. آن حضرت بدون هیچ تأخیر و سازشی، در روز دوم زمامداری‌شان تساوی در تقسیم بیت‌المال را اعلام کردند و در روز سوم آن را تحقق بخشیدند. *ابن ابی‌الحدید معتزلی* از قول *ابوجعفر اسکافی* دانشمند و متکلم بزرگ معتزله (م ۲۴۰ق) آورده است: روز دوم پس از بیعت با حضرت علی^{علیه السلام}، ایشان به منبر رفتند و خطبه‌ای ایراد کردند. در آن خطبه راه و روش خود را که ادامه سیره پیامبر بود، مشخص و مساوات در تقسیم بیت‌المال را اعلام نمودند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۱۹، ترجمه فیض الاسلام).

مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۹۵ در ابتدای جنجال رسانه‌ای حقوق‌های نجومی، دستور بر اقدام سریع دولت با متخلفان را صادر نمود، اما متأسفانه بعد از گذشت ۵ سال هنوز به‌طور کامل حقوق‌های نجومی ریشه‌کن نشده است.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح فیض الاسلام، چ پنجم، تهران، فیض الاسلام.

ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبئه الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهایه فی غریب الحدیث والأثر، چ چهارم، قم، المكتبة الاسلامیه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران، امیر کبیر.

ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰ق، طرف من الأنباء والمناقب، مشهد، آستان قدس رضوی.

بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۸ق، الإيضاف فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیه السلام، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، چ دوم، تهران، دفتر

نشر فرهنگ اسلامی.

بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی، چ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.

بیانات رهبر معظم انقلاب، در: farsi.khamenei.ir.

بیانیه گام دوم انقلاب، در: farsi.khamenei.ir.

حاجی زاده، عبدالله، ۱۳۹۸، «تقسیم مساوی بیت المال در سیره امام علی علیه السلام و واکاوی علل آن»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۶۱

ص ۵۳-۶۶.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.

دشتی، محمد، بی تا، امام علی علیه السلام و اقتصاد، ج ۳ (الگوهای رفتاری)، کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین

الحسینین علیهم السلام بصورت الکترونیکی منتشر شده است.

صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۷، الخصال، ترجمه محمدباقر کمرهای تهران، کتابچی.

طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، مرتضی.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، چ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین.

کلانتری خلیل آباد، عباس و همکاران، ۱۳۹۸، «تحلیل فقهی و حقیقی پرداخت حقوق نامتعارف از بیت المال»، پژوهش‌های فقهی،

ش ۱، ص ۱۰۲-۱۲۴.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۲ق، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، ترجمه محمدباقر کمرهای، قم، دارالکتب الاسلامیه.

مازندرانی، محمد صالح، ۱۳۸۲ق، شرح الکافی - الأصول والروضه، تهران، المکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

_____، ۱۴۰۴ق، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، چ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

پایگاه اینترنتی جامعه خبری تحلیلی الف، alef.ir.

پایگاه اینترنتی خبرگزاری تسنیم، tasnimnews.com.

خبرگزاری ملت متعلق به مجلس شورای اسلامی، ican.ir/Fa.

سایت اینترنتی مدرسه حکمرانی شهید بهشتی (گروه مبانی و اصول)، governanceschool.ir.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۴ق، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، چ چهارم، تهران، المکتبه الاسلامیه.

هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۱۶ق، اسرار آل محمد علیهم السلام / ترجمه کتاب سلیم، قم، الهادی.